ایر انکی در

رسالة مزية اللسان الفارسي على سائر الالسنة ماخلاالعربية

> ئالىك اين كمال **پائنا**

بتصعیع و *انعشیهٔ* حسین علمی مخطوط

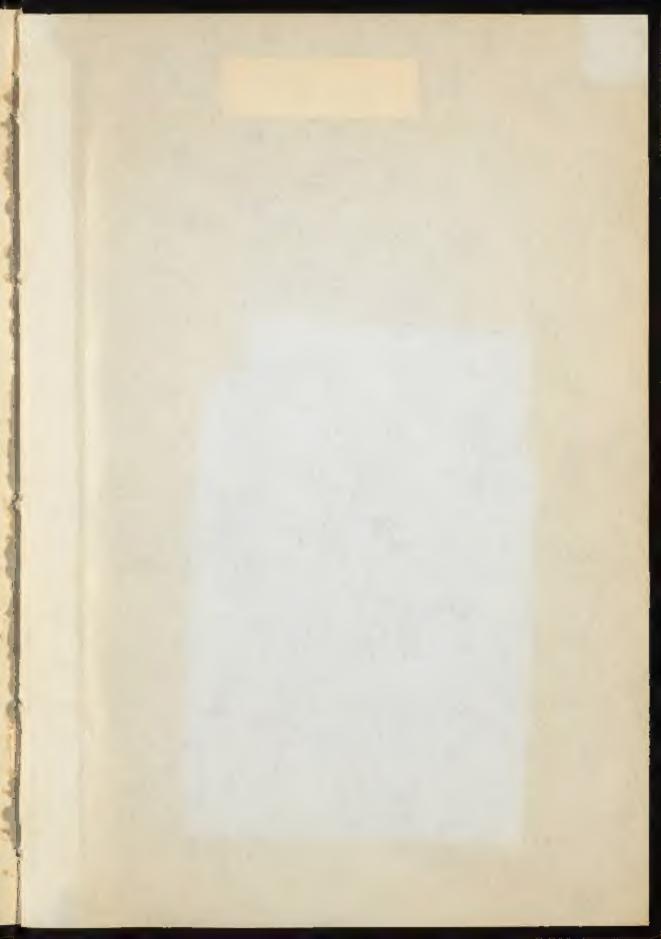


2271 .5083 .65 .314

2271.508365.314 Femál-páshá-záde Bartari-yi zabán-i

DATE INDICE DATE OF PARE ISSUED DATE DUE





## ايزانكوره

هرد آوردهٔ م . مقدم استاد ژبانشتاسی در دانشگاه لهران

بهدوست بادارجندم اقای مارین اهداشد ۱۲۲۲/۱۰/۱۵ میمالیندیا -

> شمارهٔ ۱۷ رسالهٔ برتری زبان پارسی برزباتهای دیگر بجز عربی

#### فهرست شماره های ایران کوده

١٠ در راه مهر [ ١٠ مريد] .

1. COL . . BOLL ) .

۴. چه کنار دربار: کویشیای ایران و جز آن .

۴ ، چند نبوته از متن نوشته های فارسی باستان باشرح لغات

۵ . الله ديره (س كيا) .

٩ . داستان جيم ( م. سدم يرس . کيا) .

٧ ، چند فعوله از متن فوشته های پهلوی باو ازه قامه ( س . کیا ) ـ

A . خط و فرهنگ ( ۱ . مرد ) .

٨ - واژه لامهٔ طبری (س ، کيا ) .

. ۹ . مند کتار دریارهٔ کرمانهای ایران و مو آنی .

۱۱ - اویشهای وفس و آشتیان و نفرش (م. شعم ).

۱۴ - سرود باد دین زردشت ( م شدم ) .

۱۹۴ ، العلويان يا پسيخاليان ( س کيا ) .

١٤ ، الرارش ارشاها و يكرهاي كال جمال إح ، إمال وس ، كما )

۱۵ . تاریخ و تتویم درایران ا ۱ ، مردد ) .

۱۹ ، ماه قروردین روز خرداد (س، کیا).

سال ۲۲۷۸ رصدژردشت برابر ۲۲۲۶ سهری برابر ۱۳۳۲ خورشیدی هجرت برابر ۱۳۲۲ یزدگردی رحلت

#### شمارهٔ ۱۷ ابران کوده

رسالهٔ برتری زبان پارسی بر زبانهای دیگر بجز عربی

> از کمال پاشا زادہ

متن عربی بنصحیح و تحقیق و با حواشی و تعلیقات حسین علمی محفوظ



#### المهرست

ص ہ	تقدمة الرسالة الى المجمع العلمي الابراني
ص ٦	تقريظ صاحب المعالى العلامة السميعي
	پیشگفتار
A - V 00	
ص ۱۱- ۱۲	التمبدير
ص ۱۲ - ۱۸	مراجع الايضاح والتراجم والنعليق
2.00	ترجمة المؤلف
٣٠ - ٢٣ س	ستنالرسالة
27.44 00	ستدرك فيالتراجم وقوائد وأخبار وزيادات وتعاليق
س ۷۶	شكر و ثناء
0	

این کتاب را بفرهنگستان ابران کهافتخارعضویتانجمن ادبیآلرا دارم تقدیم میکنم حسین علی محفوظ

> 2271 5083 .45 .314

3/2



وزارت فرهنگ فرهنگستان ایران اتجین ادبی

æ

دانشور جوان و سخن سنج عراقی آقای حسین علی محقوظ که دورهٔ ادبیات قارسی را در دانشگاه تهران تکمیل نموده و بسبب شایستگی خود اخیر آ بعضویت افتخاری انجین ادبی فر هنگستان ایران فیز النخاب شده است ، بمتاسیت علاقهٔ مقرطی که بر بان قارسی دارد ، در بیان مزایای زبان و بر تری ادبیات پارسی مطالعات عمیده نموده و مخصوصاً در تتبع و کنجگاوی دقیقی که در رسالهٔ (مزیة اللسان الفارسی) تألیف کمال پاشاز ادم متوفای سال ، ۹ به هجری ، که از دانشمندان تر کیه بشمار میرفته ، با اقتباس و استناد از منابع کثیره بعمل آورده و همچنین در سخترانی ها و تحقیقات قانبلاته ای که تسبت بهمین موضوع بعملی آورده و همچنین در سخترانی ها و تحقیقات قانبلاته ای که تسبت بهمین موضوع در بعضی از جلسات عمومی انجمن ادبی قرهنگستان ایراد تموده است ، الحق کمال فقبل و هموشمندی را ظاهر ساخته و توجه شابان اعضای ارجمند و گرامی انجمن ادبی قرهنگستان را بلیاقت و استعداد و دقت فکر خود معطوف داشته است .

علاقه و انشیاق کاملی که از این جوان قاضل و هوشمند نسبت بزبان و ادبیات پارسی درموارد عدیده مشهود افتاده ، مورد تمجید و قدردالی کامل انجمن ادبی قر هنگستان ایران است .

حسان سميعي

#### رد گهار

اعدت وسایه دامیر ایکی را شهاب احداد کی ان سرمت ساز بیخی و جعر فناشی و آدیی انت .

وی ماهو الکناعات التي ديدا يا د سه الا جمعه الکافي سرخ و في ا وليمية براغي ۱۱ و وليفخير البدال دفوت جموي البيان و فقطه از فهر سيال الدالم با معاليخ علوم جوارزمي او از ۱۰ جمو کسای دو سي ويد البدالاتان اين عبدالجي بعدادي او بيسه علي جدوب للشخف جدا اين تحسن طبيهاي البداد مولد البيان

دیگر اینکه مؤیت جدیده مید تورجو عدیدا ریا سیمیدی مشهو جسی تو سیه بود و از حصه از گلل دو د سیست باستان سیم آوی سیمیر سروت .

دوعی بن رسامه استان بدین احمد با سدمان بن ندان به بعروف بدی نمان ده بداروف بدی نمان پایا در ده به بیان بایا در ده به بیان ده بایا در ده بوده بوده و دیگی از بندی در بموروف خللی رم به وسعری بایی عثمای بوده و بیش از سیطید تایا بودنه بیان

کمال پاسازاده یکی از دوستد را بال فارسی بود و جول بن ربال در دربار پادشاهان آل عثمان رواح بسیار داست و ربال دانشمند ل آل سرزمین بود چانکه بررگان بادساهان بن خاندال محصوصاً سطال سلیم بحست ا باین زبالسعرهم گفته انده وی در زمان سطیت همین سطال علی کلیمیال سعدی کدید بگارشان را وست و فر هنگی سام دفایق بعقایق در مشکلات زبال فارمی فر هم آورد و زیباله ای در تعریب کلیات فارسی اورسایهٔ خاصررا که دربارهٔ بر بری این ربایا الیستان بر همهٔ ربایها بعر عربی می باشد، باینف کرده است .

وفات مؤلمی در سماللول در ۲ سوال ۹۶ هالوده و او را بیرون درو ره درله در حالفاه محمود چلبی تحال سپرده بدا و محمود بلک بام که بکی از شاگر دان او بوده بنائی از سنگ برسرحات او ساحته ست .

بدی صع این رساله برخکسی است که دوست داشند گر می آمای د کرد و د الچسی لموضعی ۱ عصوفر هنگستانهای سورته وسطر ۱ عراق به پیشنهاد نگارنده ۱ راوی سطهٔ متعلق بکتابحانهٔ شخصی محمدعتی افتدی بن الحدیه در سهر موصل راعراق ) پرداشته بودند . فضحیح مش وساله و بینهٔ خوانی و نولس اصافات و دندی که بجهت توطیح بعض نعاب و طلاحات و بعیرات و انساد احداث و انتخار و شرح خان شعر و رخال و اساکن و کسب وقوالد دیگر مرابط بمصاب مس از کناب بعیمی شده ۱ از روی ۱۲۳ مدرک و ساعد عربی و فارشی ۱ خصی و خانی ۱ با احساط فوق نعاده بایجام رسید .

بگارنده در بنجا لازمانند بداکه سرایت بشکر انتصمیاند خودره بد بخش ایرانونج که طبع این رساله را در عهده برقیم اف انجام بیروی برانم ست انقدیم نماید.

امید دارد خدمت این بنده باچیز به از عشاق این زیان زندهٔ «اعمر بحس» حل فر البت دادر بیشکه پارسی او بای شیرین سحن سبول فید .

محفوط

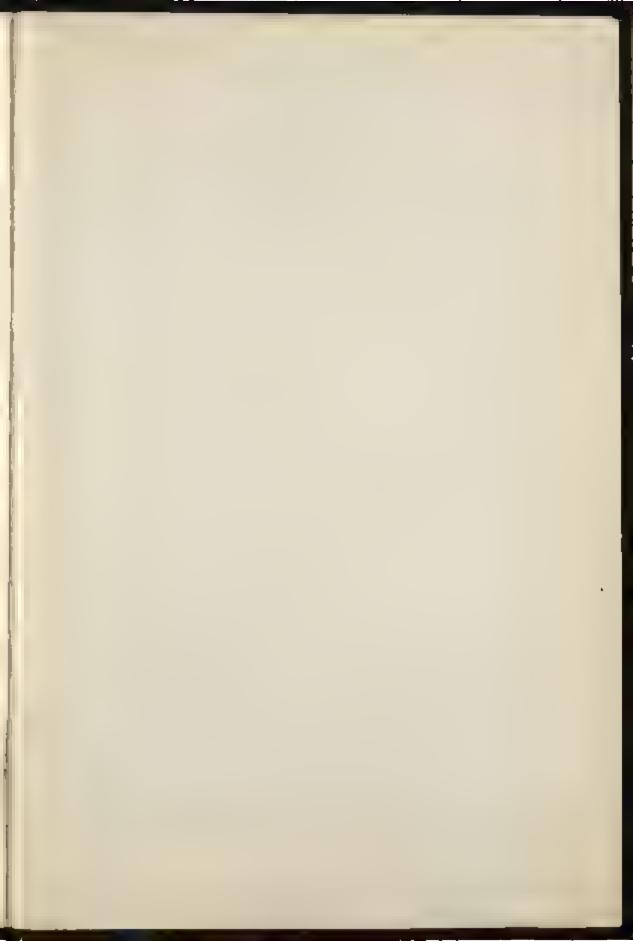
رسالة

مريه اللمان الفارسي على مائر الألسلة ما خلا المرابية

> نائیم ابن کمال پاشا المتوفی سنة ۹۴۰

مقتها و آکملها و أصبحها و عارضها بالمراجع وعلق عليها وعلي بنشرها

حسين على محموط



# دسم أنَّه الرسمي الرسم المستم المستم المستم المستم المستم العالمين وسلام على عناده الدين اصطفى

أما بعد فهذه رسالة صغيره طريقة في (بيان مؤية اللسان القارسي على سائر الالسنة مدخلا العربية ) بألب ابن كمال بسد منوفي سه ١٤٠ اعتمدت في صعها على نسخة صوره في صديما العالم المؤرج عاص الصنب المستسل الذكتور دود الجنبي بموصلي على السبحة المعطوعة معدوعة بعرانة بسمحمد على افتدى بن الحليقة في مدينة الموصل بالعرف.

قوام هذه بسجد أربع صعحات والصفد أستقر مكبوبة بعط دسعى في معموعه صعمه بشتمل على عدم كتب العاورات ٥٠ منها ٥٥ رساله للمؤاعد (١) وعلى هامش عدم الرساله لنجر يعاب و فوائد تفيفه الم نظهر في السبعة بمصورة .

أما بكانب فامه مم يصرح باسمه كما أعمل الاشارة الىالسحة التي رجع اليها و لم يشت أيضاً باريح عراع من لاستساح و الى لاسه ماكان من أعل الصنع قال السلحة بيست يراء من بتصحيف و بتجريف والعلط العين .

و قد دوبرت سي بصححها و معابلتها بالمراجع الكثيرة التي بنعت ليما و عشرين و ماله كتاب وعللت عليها وصدرتها بترجمه المؤلف وديلتها بمستدرك يحدالقاريء قبه لراجم من وردت أسماؤهم في برساله وبيال الكتب وسائفه من شواردا للوائد والالحمار .

آی ارساله دن سو بها لا بوادی ما اسودعت و ایما بدأ المؤلف بد کر خوارا قر مه بالفارسیة فی الصلاة عند أبی ختیمه (رضه) نقله من کتاب المبسوط ؟ وقدم بین بدی بحثه حدیث رواه أبوسعد البردعی می کنت (الکادی شرح الواقی) قال این الفاری الله موضوع و اثبت بیتین لعصابه الحرحای أوردهت باقوت بحدوی می معجم البلدان ثبه طفق بشوح أعلام الباس و البلدان التی د کر ها شاعر و استطرد معتبد علی معجم البلدان و المهرست لابن الندیم (أو مقاتیح العلوم بحواررمی) و باریح جهانگشه للحوینی و اخابه رأی کتاب التبیه علی حدوث بصحیف و لکنه أهمل الاشارة الی همه العطان و وید أحسن با عنی کل حال با الانتقاء و الاختیار .

<sup>(</sup>١) راجم معطوطات الموصل ص ١٩٠٠ س

وقد عیب بنجیل هدالرسانه و سعبقعیها لابها بخنوی علی فو ثد می جعرافیا و لادب و سارنج ربما احباح بمتأدب الفارسی الی لاحتفاظ بها وداء بتطمیه .

و بعد هدید هدا المحهود المشل می محمد العلمی الابر می شکران بعدونه می آو لاسه و السابین فی دیار عوس می آو لاسه و السابین فی دیار عوس دو معالی و بریاسه حسین السمعی المعروف بادیب استصد اشاباته بقاءه معد کان افتران أعد س أعضاء بحدالادت فی المحمد العلمی لا برای و شرفی المصاؤه بکرام بهدا معرفی العلم المعقودة فی الموما برای عشر من بموز سد ۱۹۵۳ و الهد به عنی قدر مهدیت .

لا شین ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۳۳

#### مراجم الإياح والتراجم والتعان والصحيح

- و لـ الفهرست و لأبل مديني المصحة إحمالية للمصر سنة ١٣٤٨ هـ
- ۲ د معجم عصومات عربيه والمعربة ي موسف اليان سركسي مصرسته ١٩٢٨ ١٩٢٨ و
  - ٣ عيول لاحمر: لأس قسه. مصر ٣٤٣ ٩٣٥ ١
  - ٤ دريح الالب المعد عرية إلح هي ريدال . بيسر ١٩٣١ ٣
  - د کشف علیوں عن آسامی ایکنٹ و سول : حجی جدید، اسامہ ن ح ۱ ۱۹۶۰
     حج ۲ ، ۱۹۶۳ نے
- جا شماء الغلیل قیما فی بلام عرب س بدخین : شیاب بدین أحمد عجدجی ، معبر سد ۱۳۸۳ .
  - ۷ \_ باح لعروس ، بمسد مربضي با بيدي . مشم ح ٩
- ۸ دستانه بهشام بن انکسی بحد نافوت نمستمنی فی حمالی لاو نی سه ۱۹۷۷ و سحه حراله در مدین استیاری فی بهرال د.
- ه سیسی العبوم و دو د دلام العرب ما الکلوم النسوال بن سعرم تحمیری . جدل سنه ۱۹۹۹
  - ۱۰۰ سبه و لاسر فاح علمعودی، مصر ۱۹۳۸ ۱۹۳۸
    - ١١١ بروچالدهي ۽ للسعودي، مصر ١٣٤٦ ج. د
  - ۱۱۰ (احمار المول ؛ للدينوري اطبعه مكتبه عرامه عمد در مصر
    - ۱۳ ير ل کوده ۱ : ٤
    - ع ـ ايرن كوسه . ٧
  - ه در کتاب د کر آخیار اصبهان را دی بعیمالاصیدی، بندن ۱۹۳۱ ج ۱
    - ١٩٢٧ ٢٤٠ الاعلام : تحيرالدين الروكني، مصر ١٩٢٧ -
    - ١١٧ صبط (علام : لاحمد بيموريات ، مصر ١٩٥٧ ١٩٥١
      - ۱۸ وقدمالاعيال ولاي حلكان مصر ١٣١
  - ه لـ كتاب طبقات الشعراء في مدح عجماء و الوارزاء والأس المعشر . المدره ١٩٣٩
    - . ۲. الاکلیل و بلهمدانی بعد د ۹۳۱ ۸
    - ١٦٠ باريخ حهانگشا : محوسي. بدل ٣٣٤ ،٩١٦،

- ٣٠ كتاب المسوط : شمس الدين السرخسي . مصو ١٣٣٤ ح ١
  - ۲۳ فوج الندال. سلادري مصر ۱۳۰۰ ۱۹۳۲
- ٤ ٣٠ العراق قديماً وحدث البسيد عبدالراز في العبدي لعداد ١٣٩٨ ١٠٥٨ و ١
  - ٥ معجم البلدان \_ لياقوت الحموى . مصر ٢٠١٣ ١٠٤
  - ۲۳ ما آثار سلاد و أحمر العمد لا تفروسي . كوسحن ١٨٤٨
    - ۲۷ سخیع بسلم شرح الووی ـ مشر ۱۳۶۹ ۱۹۳۰
- ٨٠٠ مسيد أبي عبد لله أحياس محمدس حيس بشيباني المروري . ينصر ١٠٠٠
  - ۲۹ معیج أبي عبدالله معبدين عسي بن سور دا سرمدي. ۱۲۹۲
    - ۳۰ شرح دیوال خویل اعظم اعتمال مصر
    - ۳۰ باریخ مختصرالدول و لاس العبري. بیروت ۱۸۹۰
    - ٣٢ ترغه بلوت و العمديد بمستوفي، بدل ١٣٣١ ١٠٠٠ و ١
      - ٣٣ خدود بعالم من المشرق الي المعرب, طهران ٢٥٠،
        - ٣٤ فارسامه : لابن المعجى، فيهرال ٣٥٣،
        - ه ۳۰ هفت العليم و الأسيل أحمد الرازي اللكمة الرازي
- ٣٦- تاريخ سي ملوك الأرس والاسياء ، لحمره بن الحسن الصفهاني. بريين ١٣٥٠
- ٣٧٠ مراصدالاطلاع في معرقة الاسكنة والماء : لاس عبد بعق بمدادي . طهران ١٣١٠
- ۳۸ در حمد محتصر کتاب استح ید لم آی عبدالله اسیسابوری فی صفه لیسابور بمؤلف
- سه ۱۳۸۸ رسعه صدعه المستشرق لامريكي Richard. N. Trye مصوره على
  - Bursa Kirsinulu Cam ii No. 22 ستجه حرابه 22
  - 4 me مستكالانصار في معالك لاسطار : بالمعرى ، مصر ٣٤٠ ١٩٧١ م ١
    - . ٤ ـ لبايه الانباب : العومي ليدل ٢٠١ /١٩٠٠ ٠
    - ٤١ عد سطى و معدور ن : مديع الومان فرورالمر . طهران ١٠٠٨ ش
  - ۲۶ ممدوحین سعدی ۱ معروسی ۱ محموعه سعدی باینم ، طهرال ۳۱۹ ش
    - ٤٣ ورهكومه بارسي: سعد تعيسي طهران ١٣١٩ ش
    - \$ \$2 بعث نامه م بد هجدا طهران ١٣٢٥ بن ح أ يوسعد لا كتاب
      - ه که تاریخ کر سه ؛ حمدالله استولی، بدل ، ۱۹
    - ١٥٦ الوسط في لادب العربي وتاريحه . للاسكندري. مصر ٥٩١٠
  - ٧٤٠ وبحالة الأدب في تر احبرا معروفين بالكسمو النشب؛ محمد على المدرس. طهر ٢٩٩٥،

٤٨ البديع في معرقة اللغة ؛ للسيد على الميبدي . طهران

٩٤ لمعرب للحواليقي، مصر ١٣٦١

.ه. صقاب عقهاء : لايل البحق النيراري الملوفي سنة ١٧٦ طبعة حكيمة عربية بعداد.

١٥٠ ترجمان لبعه ؛ محمدس بحيين محمد شفيع المروسي. ظهرال ١٣٧٣

۱۳۹۳ مشهی لارب فی بعد بعرب و لعبد برخیبرین عبدا کریم فینی پوری ، صهرال ۱۳۹۹

۱۵۳ برهال فاطم م المتواوي محمد حسيل فرهال، فليبر ل ١٣٣٠ ش

٤٥ العاموس محيط بالمبروز أبادي مصر

ه ه د شرح حال با علم سهير ير ال ايوريجال ، بدهجدا ، بييرال ١٣٣٤ ش

٣٥٠ قاموس الأعلام و س , سامي الساسول ٣٠٦

۱۳۰۷ رومات بحاب محواساری ایرال ۱۳۰۷

٨ هـ ديوال مصرحسرو . طهرال ١٣٠٠ س

٥٩ - برحمه باريخ قم ؛ لحسن بن عبي بن حسن بن عبد بملك العمي، صهر ف ١٣٥٢

٠٦٠ بىردېستا ۋ تائىر ، ئا ئارائىتان بارسى ، ئىدكتورىجىدىغىي. تىھر ، ١٣٣٦ س

۱۹۱ معجم غرآن ۽ عبدالرؤف المصري، مصر ۳۹۷ - ۱۹۵۸

٣٣٠ نفسير البيصاوي : مصر ١٣٥٥

عه باريخ بيعقوبي ؛ لابن واضح البحث ٢٥٨

١٩٢٨ قموس لتاب مقدس ؛ عمسر ها نس امريكائي ساكل همدان. بيروب ١٩٣٨

١٩٥ منابيح لعنوم ۽ نتجو زرمي. مصر ١٣٥٢.

٣٦٠ تاريخ الامم والملوك ؛ للطيري، مصر ١٩٣٩ ١٩٣٠

٣٧٠ تذكرة الشعراء واللسيرفيدي بيدل ١٩٠١

٣٠٨ شرح المقامات الحرير به مشريشي مصر ٣٠٩

۹۹ سرح العیون شرح رسالة این زیدون ، لاس سامه بمصری ۱ ح کتاب العیث بمسجم ) مصر ۱۳۰۵

. ٧٠ الاثارانياقية عن القرول عديه : لا ي الريحال سرولي السراك ١٩٢٣

١٧٠ تاريخ بغداد : للخطيب النقدادي. مصر ١٣٤٩

٧٧ هرمزد نامه ۽ لابراهيم پورداود. مهراك ١٣٣٠ س

١٣٥٠ الحداهر في معرفة الحواهر : بسروني . حيدرآباد الدكل ١٣٥٥

٤ ١٠ فقه المغه ، لند كنور على عبد يو حدوافي مصر ١٣٦٩ . ٩٥٠

٥٧٠ عنهالنعه ؛ لنمؤلف سدكور . مصر ١٣٦٩ . ١٩٥٠

٧٦ فرهنگ ايران باسان ١٠٠ راهيم يورداود. صير ل ١٣٢٠ ش

٧٧ معجم الأدياء ؛ لياقوت العموى مصر ٥٥٥ ممه

۸ با باشه دایشوران باصری با ایر ن ۲ م. ۲

١٩ الكاس : لابن الأثبر . سصر ٢٠٠١

١٨٠ تهديب لأسماء والنعاب بالتحافظ للووي, معتر

٨- دائر دا معارفها لاسلامية مصر

۸۰ فهرس عجرانداشیمورند, مصر ۱۵۹ - - -

۸۳ فرب لاستان لای العماس عبدانید بن جعفر الجمیری ، البحث ۲۹۹ ، ۵۹۰

٨٨٤ بيس الرحمان في قط أن سيمان : محاج بدار حسن النوري. الران ١٨٥٠

٥٨ محمر البيال ؛ لنصر عي ايرال ٢٨٤

١٨٦ بصائر الدرجاب في قصاب ل محمد عديهم سنلام ۽ عصدرا سوفي عم سنڌ ، ٢٩٥

٨٧ - عنوجات ليكنه و لاين غربي السوفي سنه ٢٠ . مصر

٨٨ بعبسر عدي أبر هيم على و الرال ٢٠٠٠ مر

۱۸۹ کیا المصورہ فی دالر حدر فروس شرفعی، نسخد داراکشت اوسید، بطهران، المصورہ،

. ٩- بحارالا بوار : للمحسى ، برال

وها اسدالعايه في معرفه الصحابه ؛ لأس الأثير ، مصر ١٠٨٠

۱۹۰ الاساب : عسمهاني ، بدل ۱ و

۱۹۲ الموضوعات: لأن غاري سنحد سر به لاودف بتعداء رمحصوصه سند ۲۰

عود المعاصد عصيمه في سان تشرس المحاديث لمشهر دعني الأسبه: سلعاوي الهندع و ١٠٠

ه 4 م الكتاب المقدس (العهد عديم). يدوب ه ١٩١٥

۱۹۶۰ بحورا عبن : محمري متوفي سنه ۱۹۶۰ مصر ۱۳۹۱ ۱۹۶۱

۹۷ ماکره الموصوصات و محمد صغرين علي بهندي التسي المتوفي سنه ۹۸۹ . مصر .

١٩٨ سيالتوازيج ؛ ليحيي بن عبد منسيا حسني القروسي طهران ٢٠٠ شي

٩٩ حسب السير : بحوالد منز . فيرال ١٧٧١

- . . . . سبیه علی حدوث سطحیت: نحمر دالاصفهامی و بسجه صد شده و کمالدی المصوره علی نسخه خرانه مدرسه المروی و
- د اح شد لارار فی حط الاورار عن رو را حرار : معین الدین بی الماسم حید الشیراری.
   بعقبق الفروسی، طهر ف ۳۰۸ ش
  - ۱۰۰ د شدرات دهت في الحار من دهت ، لاين العماد تحليلي ، مصر ۱۳۵
    - ۳۰ ـ بتوائد بهنه في رحما جبيد در لكوي پيدي مصر ٢٣٠٠
    - ۱۰،۶ معتبوطات موصل ۱۰ بعد ثبورتا و تا حتى بموصعي، بعدات ۱۳۰۸
- ه ، ان عقود بخو هر في براحم بين بهم حبيبون بصيف في شراع عمل بعظم بيروب ١٣٢٦
- ہ ، ۱۰ شفائق المعمالية في منفاء الله له العثمانية ج وفاق الأصاف لا بن حلكاني , معمر م
- بال و فهرست كتابعالة معرسة عالى سبك لاراء لابن بوسف شير ارى ، ظهر ب ١٣١٨ ش
- ۱۰۸ و ریعانه لادت فی رحم عد وقتی باکسه اوالنسے: بنت بری بندگور آنها ج ه معتبون
  - ٩ . . . يرو كيس \_ لبدل ١٩٣٩ -
    - 1 . Das 10 6 hay 1.
- و و المتعجد عديسته في المكام فراعد عراق و كداسه يدعاديسيه وعجسي الشر فبلاوي و مصر ١٣٥٥
  - ۱۹۱۱ دیوان انجری بیروت ۱۹۱۱
  - ۱۰ د مجموعه محصوصه احراله محمد دانس بررگ به)
    - ١٤ سېکشنسي د لملک سعر اه بهار خپیراڼ .
- ه ، محمد سومر ، الحراء الكاني ، لمحمد الثاني سنة ١٥٠ ، معملة كوركيس عواد و يشير فرانسس
  - ه ۱۱ هرارهٔ فردوسی ، صهرال ۲ ۱۳
  - ٧ ١٠ بحبير لاب سدل: مهمدي على ١٣٠٢
  - ۸ (- چهار مقاله معروضي سعرفندي. تحلق الدروسي. سدق ۳۳۱ (۱۹۰۹
    - ور اعتدام بد ، کیل عامریه ، مصر وه ۲ ج ۲۹۱ ح

١٢٠ حامع المواريع : عفاضي السوحي. اشام ١٣٥١

۲۱ د الامالي: اللهاي مصر ۱۳۶

۱۲۲ رالاعامي و لاينالفرج الانسهامي , مصر ٣٢٣

١٣٣ ـ متعاصرات الأدباء و متعاور سالمتعراء الراعب الأصلهاي ، مصر ١٣٣٦

ترجمة المؤلف

#### ابن كمال واشا(=)

هو سمس الدين أحمد بن سيمان بن كمن يات ١٠ الم و مي ؟ المعروف واين كمال ياشة و كمان باشار ادم، و دن أهل عصره بسوية بمسي عيس .

دال مؤرحا معدم بارعا بابنا ساعرا افتيها حتقيا امؤلفا مكثرا من مشهورى العاصل و كدر الرحال في عصره ، و لادت أدريه من السويات المسلم اشهبره في رسي عثمانيين .

و بد في طوفات بن بواحي سواس و بعد في درالعديث بمديند دريد وقرأعلى على الموقائي ١٠١٠ بموفى سنة ١٠٠ وخطيب رادد ٣ المتوفى سنة ١٠٠ و خطيب رادد ٣ المتوفى سنة ١٠٠ و معرف راده ٤٠) و ريب مدرسة في يدريند على ينك في دريد يم في الوسكون،

و مین فی سنه ۹۰۲ فافلنا عسکر المولی زمن استطاق سنم لاول و دخل مقیر معدد و بمارجم می سر چه خادای بندرستن فی دار عدلت به با عدرسه المایر بدید فی ادرید و فوفسنا به مشبحه لاسلام بنید ۱۳۳۶ ختی بوقی فی بنتانبول ۲ شوال سند، ۹۶ ما ۱۵۳۳۰ م و دلق فی رباط محبود الجنبی عبد باب ادرید.

و لاير ي كثر لبيه محطوصات و قد طبعت طائعة قليله منها.

(۱) بدر حدة في الدفائل العمد داخ و من صوحت (۱) بدر حدد في تعرجم المذكور من ۱۵۹ و ۱۹۹ (۱) له تراجمة في لمرجم المدكور من ۱۵۰ و ۱۹۰ (۱) به رجمه في تدرجم المدكور من ۱۸۱ و ۱۹۰ (۱)

مزية اللسان العارسي على سائر الالسه

مأخلا المربية

تأليف

ان كمال پاشا

السوفي سة ٩٤٠

نهلامن سبحه الباسر المصورة على تسجه حراله محمد على اقتلى بن الخليقة في ندينه الموصل بالعراق



### اص م رساله مرتبه مي سويه السان مارسياه على ماثو لالسنه بعن الله الرحمن الرحمن

ا عجمد بيوسي ما أنفهر عندي تحمد استدو سيسه حداثودا وأنهما حر الب أسرار المعد و عجد لب دقاسهان و الصلود على تحمد استدوب بنشاخه النسان وحدي له و فيحمد كرام و من النفهم بالأحسان

و بعد فیده رساله با بنه فی بنان برانه الفسال البارسی مدی بنائر الاسته متحلا مرتبه و فایها بنشاره من پسیا باده! التصاحم التحقیم بنه با برصوب این درو دایاعجار .

و بدا شهد مهاده الدرد به على أن سارسه مو عربيه في عصاحه او ف به فصيدالامبيار من بين سأثر ها ١٠٠ دار في سينالتقه الله دوفراً لمصلى بالمارسية حارث مدوقة عند آبي ح (١) و يكره ١٠٠ د د مد عما لها لحراف دي تحسن العربية او الله بحراف درب.

و في الكافي إقال الوسعد مردعي إليه بجربغيرا عارسه غراسها على عبرها ا للحديث إلا لسان أهل الجنة ( العرابية و المارسة الدالة ال

> أبشد(ه) بعضابة عربتاني ٢) في بنعسن فرين ١٠٠٠ بدار داران ايوان و بندان و بننگامنگانساسان و فعنان و بنان بارس و الاقتلام بازراد اللامکار الدساخر سال ١٩١ راد بايوان ايوان كسرى بالبد أن ، و بعدان قصر نفسن بصنعاء .

فا و (۱۱۰؛ ال مدى من عبدال سيمال بن داود عليه السلام؛ أمر اشياطين فيو تنفيس ثلاثه قصور بصبغاء : عمدال ؛ و سجين ۱۰ و سول و قيها عوب اشاخر . هل بعد عبدال أوسنجي ) من بر ويعد (۱۱ بسول بسي) الناس أبيانا و هذم غمدال في ايام عثمال بن عفال دعليه رحمه الرحمن (۱۱۶ دقيل ملاه) ا

۱) هی الاص ۱ اعاد سه ۱۱ کی بر شوهبید م) لمسوط می برس ۱۹ کی بره ب فاطع فی دری بره بی فاطع فی دری بری معجد سندان م ۱۱ و به بری و آسد (۱۱ می لاصر ۱۰ مخرجان (۱۱) می الاصل با به معین (۱۱) عباره می تقصیل عاد می رائده می لاصر ۱۱ و به معجد اسدان به برس بری می سرحد سدگور ۱۳۰۹ و قال قوم این و دری الاصل به برس بری می معجد اسدان به برس بری به دری اعروس ۱۹۱۹ و ۱۵۱۹ آو بعد ۱۳۱۱ و دری الاصل بی سود بی شخصه این الاصل بی بی تو محالمد کور برس برس این کهان دری بی سود بی این بدری بدر حالمد کور برس برای کهان

كهاك اليمن يرعمون ال بدي يهدمه يقبل العامر بالباده بدله ، فلس (١) ؛ بو نفقت (٢) خراج(٣) الارض لا(٤) أعدته كماكان فتركه(٥)

وقبل: وجد عنی حشبه من حشبه الماحرب و هدم ۱ مکتوب بر صاص مصنوب : « استم غمدان ۱ هادمک معتول ۱ . قهدمه عثمان در شیالته عنه دانش (۱) والمراد می ساسان و فعطان عدامدود العجد و العرب.

و باين ۽ تکسر ابناء ۽ اسم باجيه انسها ڪوفه ۽ انجلة ۽ پئيسپ (٧) انبها السعور و انجمر(٨)

و قال أنومعشر ، ول 1 من سكنه نوح ، عليدالسلام ، وهو أول من عمرها . وكان (١٠) ترافها بعقب الطوف ال (١١) .

و في معجم البلدان ؛ ان (١٢) مدينة بابل ساهه سوراسه ١١٠٠ الحار و شتى اسها من المشترى؛ لان بابل بالسال الماسي لاول؛ اللم للنشرى ، ولم برل (١٤٠) عامرة حتى كان الاسكندر هو (١٥) الذي أخر بها (٢١).

وفي كتاب المحاسل (۱۱۰) من أسل برمانك فال إلمحسر الله بعدي (۸۱) الحلائق الى بابل حص ۲ إلغت اليهم ربعا سرقية وسرية وقسة و يعرية اقعمعيهم (۱۹) الى بابل العجمعوا يومئد سطرول لما حشرو له الديادي مناه إلى حد المعرب عن يمله الومئد سطرول لما حشرو له الديادي مناه إلى معد كلام أهل سمده . يمله الوسيد حسرول حل يساره و اقتصد ۲۰) السنالجراء بوجهه العد كلام أهل سمده . فعال يعرب فعلال من تعلق أول من يعرب فعلال و كدا الهد كد و كدا حتى من تعلق لما و كدا الهد كد و كدا حتى فترقوا على ثبل وللاس السادي ينادي ، من فعل لما و كدا الهد كد و كدا حتى فترقوا على ثبل وللاس الساد والمعم المال المالية وتنسب بالله و تال الله و تعلق المالية و تنسب بالله و تال اللها و توليا المالية و تالها المالية و تال اللها و تعلق المالية و تالها اللها و تالها المالية و تا

(۱) في المرحم المد تور به س هدر به (۲) في المرجع المد يور به ١٠٠٠ به أنتف عليه في المرحم المد كورب السرج عد يور به ١٠٠٠ به الله المرجع المد يور به ١٠٠٠ به الله المرجع المد يور به ١٠٠٠ به به الله المرجع المد يور به ١٠٠٠ به معجم المدال به ١٠٠٠ و تقل به و من هد لأطلاع من به و (١) في المعجم المدال به ١٠١ و يقل الول ، ١) في المرجم المد كور ؛ و كان قد (١١) معجم المدال به ١١ (١٠) في المرجم المدكور بور سب به ١٠٥ في المرجم المدكور ؛ في المرجم المدكور ؛ في المرجم المدكور ؛ في المرجم المدكور ؛ وهو (١٠) في المرجم المدكور ؛ حربها (١٠) كدا مافي الأصل بدلاً من معجم المدال والمنجم المدال به ١٠ والمنجم المدال به ١١ وسندي رويه والمنجم المدال به ١١ والمدال به ١١ والدول به ١١ وسندي رويه والمنجم المدال به ١١ وسندي وريه و ١٠ والمنخم و والمنخم و والمنخم و والمنظم و ووالمنظم و

و فارس و ولايد و البعد و قلم فسنج ، اول حدودها من جهدالعراق ارجال ، وسنجهد كرمان مسيرجال ١٠ ، ومن جهذ عاجل بحر بهند البيراف، ومن حيد نسد؟ مكران ، وفضيها لان ٢ شيرار ٢١ .

و کان (۱۶ آرض فا سی قدیما فیل لاسلام د بنایی انهاز بنج ای منطق اشریبخال و رئینیه عاربینه دانی اعراب بی بریاد عرب ای منتاب و بکران و ای کابل و صحارستان (۱۹). و هداهو (۱۲ فیتو با ۱۵ ص ۱۰ و کندنیات فیتا عبوات

ويس فيم مديهم اليفيجر، و بها كالسبكو بمجادرتسجي تحول أرفشير ميجور و و يروى في الأحدر - الهستنال بن داود با عميما السلام ١٧٠ كال تسير من طبريه بنها من حدود الى عشبه .

والها مستحد عفراف يمسحد سقيمال ر

و عن السهار فارس بملك سنمان ١٨٠. قال الخافائي في قصيدته القارسية (٩):

سکر ته خوار مشاه نجب ۱۰ اینتاهای کرفت اسک اسر فیل را اهمچو احر سال کرفت باهچهٔ انواع از و اینتهٔ کردول آبارفت امورجهٔ اینع و ملک سلمان کرفت (۱۰ ا فال برانهیمه رافاوش وا روم فرانس العجه (۱۲۱) .

و مدروی علی بنی با علیه بسلام ۱۳۱ به بدل العدامات ای الاسلام ۱ الروم. و بو کان الاسلام معطا با برایا ساو به فارس ۱۹۶۱.

وقال خرد بن الجنتي ۱۶۰ - ن قارس و بروم ۱۳۰۱ اس أولادلسجي بن الراهيم ۱۷۷) د عليهماالسلام د(۱۸) ژ

(14) ويجمعه و او د (۱۰ ايد مساوه ب الأساسي ( ۱۰ نعده من بعد را

 و ایناء اسعق اللیوت افرا رسوا حداثل مدکد(۱) لایسیل ۱۲۲ استورا ادا فتحروا حدوا اعدید ۱۳۰۰ سیم و کسری و عدو انهر سرال و فیصر وکال اللب فیهم و سود و کدوا باصفحر الملوك و تسترا (۱۶)

قبل : آول من ہے صفحر - صفحر بن طیعورت ملک عاربی (۵) ، و ک<mark>ال ملک</mark> ماہلا فرینا من اعتواب و مست فارس عارس ، طیعورت ،

وقال المالي في المصر بالله الدرس الله الملك فالليس بالله لرحال والايمصرف الأنه عليه الله الله الأسب للعمان ، والسر أصله يعربي اليل هو قارسي معرب أصله يارس (١٠) .

و حراسان و داده ۱۸ واسعه ی شیمان ستی انتهات می میلاد و میها و مسابور ۱ و هر د و مح و داد حدث فی سمینو، داخه ۱ فدال دستی النسایه و حرح حر سال و هیشان اساء سام بین سام بین دوج به عدم سالام الما تسمیت با اسی داندن ۱ فیران کان واحد سهم فی البدد المسابوت اینه ایر داد با هاستان ایا فی البدا المعرد فی یا فیاطند او هو الماور به مهر جمعوان دو در آل حراسان فی عدد سلاد المدانور دا ۱۱) فیلمست بی بتعد با دری در آل بهداد دا

وقبل (حروسها شمس ا معارسه ، او سال ۱۹۳۱ تأنه أصل الشيءو مكانه وقبل : معاه ، ان سهلا الان معلى حال ، او النان ، إسهل ، والشأعلم بالصواب ۱۶۱ - ۱۹۱ ،

۱وفد روی (۱۰۱ شریک بی عبداللہ اید فال بسی عبد بسلام دار محراسان تنابهالله بعالی (۱۱۷) د عندال علی فوم وماهدته ۱۱۸ (۱۱۸)

وفی حدیث آخر و م ماخرخت می خریدی فی ایجاهیته و الاسلام فردت حتی تبلغ منتهاها » (۲۰) .

(۱ فی الاصل و السهید (۱) معجد سدن ، من در الایین (۱) فی الاصل و السهید (۱) معجد سدن ، من و وردوان مرد و صنعه و الشراب من و وردوان مرد و من ۱۹۹ مردوان مرد و من ۱۹۹ مردوان مرد و من ۱۹۹ مردوان مردوان مردوان مردوان مردوان التهم من ولله و کان بلکآ عادلاً تمدیم آمریکا مردوان این الاصل و فی معجم البدان و بارس مردوان این التیمریات (۱) کدا فی الاصل و فی معجم البدان و بارس مردوان الاصل این معجم البدان و با می معجم البدان الاصل (۱۵) و با می مردوان الاصل (۱۵) و با می مردوان الاصل (۱۵) و با می مردوان الدان الاصل (۱۵) و با می مردوان الدان الدان الاصل (۱۵) و با می مردوان الدان الاصل (۱۵) و با می مردوان الدان ال

وقال برقیم العل جرسال العراستود وأستارا دوله و به العافی کنر ملک بعجه عاجال الاطادول ۱۰ ی حد ۱۸، ۳ ولاحراط ،

و علم ال کلام الفران بدال الحرى على مدار أسلم التان على داكلممرم الابتقهائي في كتاب النسبة دو هي ١٠ سياء ١١٥ ماريد الابتدار بندا والحوايد او السرايالية.

والهارسدفادلتين و اراسيد ما عيالكن ا وغوا لمراد بيماد در في الحديث للدوق د كرمان وقديلتين و اراد لهافيلم سها ١٠ غواله الدسيد .

فأد الميدوند ، يكان براي ب الأدا سوار الي بعد سيم ، وهي عدد سوله الى فهده وهو سم نقع على حسن (١) سال إلى سيال (٥) الوالري الوهندان (١) الوماد(٧) لياوند و دريجان .

وقال و بدین بیرد ۱۰۰ برامهدویی سامه معبدان (۱۰) و ماه سیدان (۱۰) دوم و مصامصر د ۱۲۰ و شید ۱۳۰ دوبیار (۱۱۵ کوفت و فرنسیس ۱۹۱ و و سینالری و فیمهدان ۱۰ و سامیان ۱۰ و فیرستان و طراسان و سیفیتان و گرمان و مکران دوفروین و بدیم و ایداسان داش بداخیدویس ،

وأن الفارسة و فكان تجري ليم اللاه سيادت الما و من كان مثاميا لهم (١٩)] و هي لعد أهل ( ١٠ هوس .

و آما سر ۱۸ میلی بعد میل ایام این امایی ایاکیم ۱۰ میر باب سیک افهی منسویه ای خانبرد ۱۳۰ سات ۱۳۳۱) .

و ما الحورية؛ فين عدد عل حورسان ١٩٣٤ ؛ ليد بان سكتم بمتوث و الأسرف

في علام ا وتتوقع الأستم على اوعدام المعرى معيدا كا والأثرق ها و معتسل. وأبدا سرامه : فهي بعد سبونه الي رُس سريال ٢) وهي أمراق وهي بعد البط يا ١٨ .

و مدس حم مده ۱۹ ، جمرياو ها ولاجمر ، ال احدث من دال يدين اد أطاع إص ٤ مهم ادا جمه على مدار ، لاجاد ، بس معسد وباؤه أصبيد.

وان أحدث من بدل مسكل ١٠ ١٥١٠ أعد له الديث لأعداء عار الدوا فهي مشا وربيد وقراس و نمينه و سعال والسند الها مدائتي والطاجار النبية الى الجمع بميعته لانه صار علما بهده الصيعد والافلاص الديرة المجموع الى الصحيح (١٢) الواحد الاثم بسب الله .

وقال خدر د ۳ با ۱ ما سمنیا عرب بدای ۱۰ با لائد (۱۰) سنع مدائل ۱ بیل س مدینه و الأخری مسافه بعیدد و قرابته ۱۳۰) اوائلوها (۱۷) پاقیه (۱۸)

و مع (۱۹) ملک الغولي ديار الفراس ۱ و احتيال (۱) الکوفاد و النظير د (۲۱) منفل (۲۲ ليهما الناس من ۲۲) ماني المدائل الوليا" إلمان الغراق

۱۹۱ فی عبرست س و عدیده ۱۲۰ فی محمد بد و ۱۹۰ موضع العب والله ويع عدادة م) في السنة و وسدي و ديك مي عيد و دي الموجد البلد و دي عديد (د) ني لايس ، لأد ل ، و في السلم ، وفي الأنول ، و يا لك من عبط به في المهر بلب بن ١٩٠ كان يبكلم بها عن استواد وفي سنده فهي منسبون أي بالدنية رسان وفي بعجمانندن و ٧ ٤ لهي هامسولد ي صر سورسال في لأمان علم و حاء بعد هام عام في سلم والسريانيون عمر بدس غال بهما معيد الداوية الذي يحال الأدابين المداد المساوا لحوالح و شکو اصلامات لائد میں لات ، معجد بدال یہ جائے وہر صد الاصلاع س ۲۰۰۸ م والمهرست من و و فعصم عنوم لا الرجارة للله الا في معجد للدان لا الداع المدلية و في عرجه المدكور والأنه وو في لأص و يا كلام و ماك من بعده منين الار الصحيح رايده في الأفيال ومن عوجير دير علي الصفيان وما عي يرجمه ع في يعجم بيدال - المدالي (a) الموجع المذكور ؛ لانها . ب. في تعرجع المديور ، يعدد وقوي، و رجع مرصد لأطلاع ص ۲۹۷ این معجدالندان و بارها وألسو ها ۱۱۰ امرحم بد گور با ۱۲۰ (۱۹) فی المرجع المد كوري ٢ ٢ ١٤ ١٤ فلما ( . ٧) في الأصل؛ والخلطت ( ١٩) في المرجع المدكو الصرد والكوف ٢٠) في خرجه المدكور الدر ١٠٠ في المرحة المدالة عن مدائل ١٠ يعلى مصر يالوت العموى المتوقى سند ٢٠٠٠ (٥٠) في الأصل الساء ٢٠٠ في بعجم لمدان و التنها ١٠٠ في المرجوالمد ور - على عليا وبالمدينة بشرفيه فرب لايوال ، قبر سفيان عارسي مشهوربرار (٠٠٠)

وقد د كر فيسر عرس : الناول من احتط (ت) مدينة في هذا الموقع ا اردشيرين بالك ، فكان(ت) مسكن المتولدس الا دسره ساساسه و سرعين و كان ، ٤) كن و حد منهما اداملك مي منسه مديند الى حسب شي فنيه وسيدها باسمه (٥) ،

وفیل از أول من حصیه رات ۱۰ ملکت می ملکت(۱۰ عدموسی عدمالسلام فاول خدل مد سه ۱ نم مدینه الاسکندر دفانه بنی فنها مدننه وسورها و هی الی هداالوقت(۱۸ موجوده الاثر از أنام بهاراعنا عربتاع الارض حسعا ۱ و عن للاده و وصه حتی بات (۱).

و حور ا يصم واله و سنكس بانيه ا وآخره راء ۱ ) معجمه (۱۱)؛ بلاد حورستان وأهل بلك البلاد يقال بهم أنعب عجور او سبب اليهم .

وخورستان سم عصم ۱۷۰ حور ، و ( آسان ) با بسیده فی دلام عرس ، دائره بافوت عجموی فی معجم اسدان (۱۳۰) ،

قال أبوريد : و بس بحورسان حساو لازمال؟ الاشيء يسير؛ يتاخم (١٣) تواحي سسر - وحمدسدبور (١٤)؟ و ناحية ايذج (١٥)؟ و اصفهان (١٦) (١٧) .

و نادينم اللم حل (١١٨) ، والي الأصل اللم حل سكوابه فللموا بأرضهم في الول بعض | أهل (١٩١) الأثر ؛ وسس باللم لاب( ٢ كهم ١٩٠٠ ،

و دكر رزيب بن آدرجور ، و تعرف بمجمد المنو لتى ، السورسان ، العراق ، و المها يسبب السريانية ، و بال حالية الملك السريانية ، و بال حالية الملك السبو حوالجهم و سكواطلامانيم بكلموا لها الابها أملق الابسنة ، دكر ديك حمر (٢٢) . في كتاب التصحيف (٢٣) .

و و في المحمد المدل ب و و و العدد ره المدال و المدل المدرسي ولي المعلم و الو والمدلكور و في المرجع المدلكور و فكال (م) في المرجع المدلكور و المدلكور و فكال (م) في المرجع المدلكور و المدلكور و المدلكور و المدلكور و المدلكور و المدلكور المدلكور و المدلكور و المدلكور المدلكور المدلكور المدلك و المدلكور المدلك و المدلك و المدلكور و

ودل ایو بر بحان : واسر با بون سسویون بی سورسان ، و هی آرس لعر فی و بلاد اشام ) .

وقبل والها ٢٠ س بلاد حوزستان ولان (٣) هرقل ملكا الروم حين هرب من أنط كية أنام المتوح صلى ٥ إلى المستصنعة التقت الى الشام وقال: « عليك السلام يلسورية» سلام مودع لا مرحو أن يرجع اليها ٤ أمدا ، وهذا دس على ألسوريان هي يلادانشام (٥).

وطرستان ؛ من واحلى أرسبه (٦) وهي ولاية صعبة المسالك (٧) ، من (٨) أعيان بعد مها : حرحان ، واسراده واسل ؛ وسارية ، وهنمالبلاد مجاورة لجيلان (١) ، وأكثر أسلحتهم بن كنه الاصار ، فكأنها تكثر تها فيهم سميت (١٠) بذلك (١١) ،

وقال صاحب المعجم (١١٠) ، ومعنى صرسان ساغير بعريب الموضع الأطيار (١٣٠) . والسبت كذلك العاليل معرب سر ١٤٠ .

بعث فرسانه الكسانية

مستدرك في التراجم ، وفوائد وأخبار وريادات وتعاليق



#### ≈ ص ۳۳ س ۲۳

رسابه مرضه فی بدان در بدانسان عارسه کداخاه فی الاصل، وجاه استهافی فسحه متحده الدرعانه و بردو و مصر و ساسول رسانه فی بیان مرید بسال اندرسی راحع مستدرك برو كنس ح ۲ ص ۱۷۰ و ود سماها حاجی جنده فی كشف علمول ح ۱ ص ۱۷۸ و رسانه فی مدالفرس و مرسها ۱، وفی عدد بحوهر ح ص ۲۳۶ (وسالة فی مؤیة اللمان فارسی ) .

#### ا ص ۲۳ س ۹

و دکر اس سدیم فی اعیبرست ص ۱۹۹۶ کتابا سماد (کتاب جواز الصلاة بالعارسیة) لایی عدد شد تحسین بن مدی بن ایرا هم اسعروب بجعل الکندی بن فتها داستمرد ۱۳۰۸ م ۱۹۹۹ و الدیر ممد فی اسر مع سد لور ص ۲۵۸ وس ۲۹۶ و حسن انشر سلاوی استوفی سمه ۲۹ د درساد فوادی ۲۹ صفحه سمیا سفحه المدسد فی أحکام فرادد اقرآن و کشیته بالدرسید و در بعدی بهدس فی لاحکاد و طبعت فی مصر سمد ۱۳۵۵ م

) هو ابو يو عب يعنوب بي د عب وقي سنة چه اله ترحمة في المهرستاص ٢٨٠ (٢) هو ابو يو عب يعنوب بي د عب وقي سنه چه اله ترجمة في المهرست ص ١٨٠٠ ووقيات الاعيان حديد من جودي د وعبد الله ترجمه عبروف نوفي سد ي جد ترجمه في ليورست ص ١٩٥٤ - ١٩ هو الهدالاعد محديد در بي الشافعي المعروف نوفي سد ي جد ترجمه في ليورست ص ١٩٥٤ - ١٩ هو الهدالاعد بي جد ١٩٠٠ مر ١٩٥٠ - ١٩

## ص ٣٣٠ س ٠ ٥

الله ج. هيأ توجيعه ١٠٠١ جو بشب الصول ج ٢ س ١٩٩٧ قي(الواقي في القروع) بلامام بي سركات عبد شام حيد حافظ بدير المسلى الجعلي المتوقي سنة ١٩٧٠ هـ و الميسوط ج. حي ٧٧٠

#### A CONTROL OF THE

وعدهما دی و اولت ولحمال لحس شتایی، را چوالمسوط و ص ۳۹.

## 17 - 77 - 6

الکافی العدد الکافی فی سرح الوافی لای معدد البردغی، راحه کیشف انطلوق ح ۲ ص ۱۳۷۸ .

#### T WTT P

ایوستیدا سردعی ۱ هوانه تعدد حمدس انجیتی اند دخی دن می مشهوری فقها م انجیفیدی له برخمه فی صناب عثها داش ۱۹۰ و انتیابیت ص ۱۹۳ و بازیج بعداد ج کا می ۱۹۶ م ۱۰۱ (التوجمه دات برقم ۱۵۰ )

# ه موجه ين سه ه

اسال اهل العديد المرابعة عنوسة مولية المستقع وحدال عبر العديد في المراجع وفداد كرمايل كديها مراجع ومؤلف المراجع المرا

(۱) هو الوحدة المعالى إلى البدال روسى لكولى المعروف بالأبام الأعظم، وللسنة مم ولوفى للمدال السناء والمدال حاج من الارج ما المراوفى للمدال المدال المراوفى المدال المدال المراوفة المدال المدال

# 2 3 77 300

مصابه العرامين المعدد والمده الم سعول والمدمس بالوقي وقيل سم مصابه المعرفاني السمامين المعدد والمده الم سعول والمده مصابه المائيون في في في المائيون والمصاب المعافية عسكر المعافية ال

المار دران بول و بيدن و بيک ميکان سيسان و فعصان واليس به فرين و دافيتم بال و الديا خرسال د

دکر عمد المسعودي في د عباج د عباج و دسيما بالوب جموي في معجم سدن ج ع ص ١٤ ي عباد الحاج ي مداو د

(۱) بد خاولی لامین السعیم بیشت و عرضوه بی العین لامین المعروف و با تعین لامینی المعروف و با تعین المعروف المعین المعروف بیشتره المالی و با تعین المعروف و با تعین المعین المعی

فال رهفيم بي لأحسان لهو الكم و ال اينتم فارض بما و العد

عد حاكات بطوع و مدمال الا بن نتب و لا تدامال

وبقسهما على باحاء فيمروح بدهب

و بحاسان المليان المداخيية و خيلقان و صربتان سادرها مرتب الباس فيها في مراحيم للفرس كسرى و عروم الليامروال

منیه بخاری و سخ شاهدران واغش شرو بها والحی خیلان فمرزیان و نظرین و طرحان حسن الحسی و لاثرالد خاوان

وهي على ماجاء في معجم البلدان : و الجانبان العشدان عدا حسب تدمر الباس أبراحا ورسهم

سها بعدری و سها الساهدران فمرزایان و نظریق و اداهمان

ه ص۳۳ س ۱۹

وال كسرى ، مرفالا فيعاق سيرى و دن يسمى مصر الابيعي و هومن الا با العقيمة والاسه القديمة العجيبة ولا بر ال أرمادي الي وقت هذا اسناه سابور الاول ، ، ٤٠٠ م. ٢٧٤ م) حنويي طيفسوف من الأحرار

راجع محمد مهر ۱۰۸ علم و تاريخ بعداد ج ۱ مل ۲۰۱۹ وقال المعترى المتوفي سنة ۲۸۶ في صلح من كليمة المشهوا دالمي واليد م

و مسيد نفسي عمايدنس نفسي و يجنب بن عدا كان حسن

44.18

حوب فی حسب رس حسر اسی حسر اسی مسیح و میدی مصدح عرب و میدی مسیح عرب مسیدی در و هو کو لب دوسی لیکل من ثلا تل اندهر سرسی باخ و اسیل من سمور مدعمی رفعت فی رؤوس رصوی و دسی صر سیب الا فیلالی در س سکنوه آم صبه حن الاسر یکین مینوالد بیکین

و دار الأبول مرحم عبعه

یتصی می کنیه اد عدو

مرعج بالفراق عن اس الم

عکست حصه السی و بات

فهو سدی تحده او عبیه

مریعه آن بر سی بسط بدر

مشمجر تعدوله سرفات

لایسات می اساس فعاده

بیس سدری أضع بین نحی

غیر أحی اره یشهدان الم

راجع باریخ بعد د ح ۱ ص ۱۳۹ و معجم البسال ح ۱ ص ۱۰ و ص ۳۹۶ و دنوال مجتری ح ۱ یل ۱۰۱۹ ، والمحاصرات ۲ ص ۲۰۰

#### " - 14 m + + m "

عمد ب الراجع فيه شاب راها بي ۱۹۳ و ۱۹۳ و ۱۷ ليس ج ۱۸ مي ۱۹ و ۱۹ شما ما ۱۹۹ مي ۱۹۹ شما مي ۱۹۹ شما ما ۱۹۹ شما م شما ما العليل من ۱۹۳ و فيمس العلوم من ۱۸ و الاثار الماقية مي ۱۹۳ و الاحدار العلو النصاف ۱۹۳ و المحاصلة و المحاصر النام ۲۹۰ من ۱۹۳ م

#### ص٣٠ سي ١٨ ه

الدى بى عمد السيمان، قال ابو حسم احمد بى داود الدنورى الموقى سلم ٢٨٢ فى الأحبار الصوال ص ١٠٥ م قالى بارض المصال اللالة حصول المالية عليها والهي المعين، المعين، والمدال الهادال الهادال

## س ۲۳ س ۹

سلحین براجع فله سمال بعلوم فل ۱۵ و لا بلیل ج ۸ فل ۲۰۰ والاحدر الطوال بل ۲۰۰ .

# a gurren

بينون الراجع فيه باح عروس في الس ) ج ٩ س ١ د ١ و الأكنيس ج ٨ ص ٦٦ ـــ ١٠ و شمس علوم ص ، الوالأحدر بصوالي ص ١٠٠ .

# 9 - 4 T - 0

الساعة عو دو ددل عصري على ساعاء في ساح عروس في وين ح ٩ ص ١٥١

# \* w\*\* w \*

هن بعد عمدان وسنجر من أر أوبعد يبون يدي الناس أيبانا أند جاء في الأصل شلا من معجم البندان ، و هو على سحره في الأكبين : أبعد سنجين الأعين و يأ الر أم بعد بنبول يدي بناس أبنان وفي ناح العروس : أبعد بيبول لأعين ولا أبر و يعد سنجين بنبي سنس أبنانا

#### ه حل۲۳ س ۲۳

و هذه عبدان في الم عثمان الجاء في الرابلاد و أحدر العدد ص ٣٤ م مكي

نخصان عمال (رقم الماأمر بيدم عمدان فالوالم ل الكيند يقولون عادم عمدال مقتول فأمر باعاديد فعادل فر كه او بمحربه وحد على حشه سراحشديه مكتوب البديد للمدال هاديك بشول و فهديد عثمال بي مصال فقتل و وجد على حايط ايول سرمحاس المحاكو الامران :

صرا بدعر بال بد ک فیکدا بطب مدهور فرح و خیران عدم کالحراندادولا بشروره ه

#### ص ۲۲ س ۸ ۸

أبو معين عو أبو معتبر بعقر بن معيدين سير المنحي ذال من مشهوري سمعين في غرال الديب بنهجر دال يوفي ٢٨ شهر رمعيان سند ٢٨٠ وود درف على بمائد، وقد سدية بن المديم و المنطق بعوا من ١٠٥٠ كانا ل به عرجية في تاريخ معتبر الدول بن ٢٥٨ ـ ٩ و عهرست بن ٢٨٨ ل والمساملة ح الديفة بن ٣٥ ـ يا و والمسالا عبان ح الديفة بن ١٢٠ ـ ٢ و و دا تراه المعارف الأسلامية ح الدين ١٠٥، وحوالي بن جهار معالد بن ١٩٨ ل

## م مین ۲۶ سی ۲۶ س

حتى بالاسكتار هو بدى أجربها ، راجع السندوالاسراف ص ٣٦ ، و جاء في (دريح سي متودا لارس و لاساء) على ١٣٠ ، و ويماه بددالقصاص من لاحدواله سي بارس بران السي عشره مدلمه سماها كنها لاسكندرية . . . وليس نهاد العديث على لابه كان محرايا ونه يكن بناء .

# ص څ ۳ سي ۱۹۳۳ س

کتاب المحال و تداید و ای لائیل علامی معجم بندی و میده محمح حیجه ای کشف الفتون ج ۲ س ۹ ه محاسبه و هو اعتجاج ، ایان و المحالید لاحیدین و رو الاندوری ایما یکی المتوفی سند ۱۳۰۰ میشامین نبید الاحات ب و لاحیار و مجاسی اسو در و الا بار و منتی ایجکم و الاسعار ، و التحت مند الفتیم و شماه تحدد حقاسیه من ثبات مجاسه

# ص ۶۶ س ۴۶ س

أسرين ماك الهوابوجمرة أسرين ماك لايصارى عجررهى حادم وسول الله صلى الشعبية وآلد وسيم كان من عبدية المشهورين وأكامر رواة عديث بوقى بالمصرة سنة ١٣٠ وفين غيرها وقد عبده مناه سدر له برجمه في باريخ الريد بين ١٣٠ وأسد لعاية ح ١٠ ص ١٣٠ م و دائرة المعارف الاسلانية ج ٣ ص ١٤٧ م و تهديب الاسماء و البعاب ح ١٠ ص ١٣٠ م ٠٠ م م ١٠٠٠ .

# ه ص ۶۶ س ۴۶

ه ملځ ځ لې د

فحصان بن هود ۱ کی هوداسی . ع در جع تنمس نعبوم س ۸۳ .

ى 60 سى 4

کان یسیر من طیر نه ۱۰۰ و د عنی ۱۰۰ کلاد ص ۹۹ کان سندن ـ عد بتعدی بارس الشام ببعلیک و یتعشی باصفحر .

ه ص ۲۰۰۰ س ۱۱۱

منكسليمان الراحة فيه كتاب مماوحين سعدي ص ٥٥١٧٣ .

» حي ٥ ۴ سي ۲ ۽

التحادي هو بدين بن على التحاقاتي الشاعر المعروف بحسال بعجم المتوفى سنه هوه له ترجمة في لياب الالبالية مع ٢ ص ١٣٠١ و سحن و سعدورال ح ٢ ص ٢٠٠٠ ٠٠٠ .

೯೬೯<sub>೮</sub> ಕತ್ತವಾಗ

شکر که حواررستاه . . اشعر ۱ جاحد هده لاینت فیدیو ن احدی مدی

نشره المرحوم علی بن سدا برسول. و احدد کر هوسؤ على در يح جهالگشه ح ۲ ص ۴ ۹ و نسسهه الي الحادثي المدكور و هي سبي ماحاء فيه عكدا :

مژده که خواررنشاه ملک به عان گرفت میلک تراقس را همجو خراسان گرفت ماهچهٔ چتر و قنعهٔ گردون شود سورچهٔ سع و ملک سیمان گرفت

# من ۾ ۽ سيءِ ۽

حو رزنشاه ) هو سنطان علاء دین کس خو رنشاهین بن ب رسلال ین انسرین محمدین آبو شکی خو رزنشاه به ۱۹۵ ما ۱۹۵ ما ۱۹ م انسرین محمدین آبو شکی خو رزنساده صحب خراسان توقی فی شهر ربیعیان شده ۹۹ ها به ۱۳۸ ما ۱۳۸ می ۱۳۸ می ۱۳۸ می ۱۳۸ م ترجمه فی تاریخ کویده چ ۱ می ۱۹۵ می ۱۳۰ می ۱۳۸ م

## دس فالأسراه واله

این بهنامه ۱ هو آبو سال برخین شد بالین بهنامی خدمی فر سال العصر می الاعدو می انفاطی مصری قاضی مصر دن می معددی فی اعرابات بی مهجر د و بد سد ۹۷ و بوقی بمصر شده ۱۷۶ و فی ۱ می و بهدیب لاسماه و انفالیه ح ۱ ص ۱۷۶ و ۱۷۰ و ۱ می ۱۳۰۱ و دیگر با ۱۳۰۰ و دیگر شده این ۱۳۰۱ و دیگر سال ۱۳۰۱

# # 40 C + 70 Cm

فارس و بروم فرانس بعجم ، وقال بشاران اردالشائير في هذا المعلى على المجاء في مروح الدهب ج ا ص ١٥٨ .

# بمسى سكرام يدوفارس فريس وقومي قريس بعجم

وقی فارسامه ص۳۰۰ فال اسی عدار آن شخیر بین فی خفه و می بعرب فریش وس العجم قارس ، روفی نفس برخس ۱۸۰ می رینج الاتوار عن اسی ، س دقت و اسد می عهاده خبرتان فخیر ته می عرب فریش و من العجم فارس ) .

# ۵ ص ۲۵ س ۲۱ ۴

ابعدالباس الىالاسلام الروم . . . ( العديث ) ؛ لمرأنف على صدر هذا العديث فيما عسى من المطان وقد الصنف القظ بقيته في المراجع ولم أجلم هكذا ( كمارواه لمؤلف هلا من معجم البندان ) بنيا .

س داكت : روى عن أى هر دره عن رسول بعدص دال عظم عاس مصدفي الاسلام

أهل فارس . لوكان علم باشر با شاو به رحل من على فارس . وعنه قال وسول الله علم عارس . وكان علم باشر با لشونه وحل من ابناء قارس ، راحع كتاب ذكر أحدر صهال حاس ٢٠ و ع و ٥ و ٦ و صحيح بسلم ٦٠ و ص ١٠٠ و ص ١٠١ و مسئلا اين حليل ج٢ من ٨٠ و و س ٩٠ و ص ٢٠١ و مسئلا اين حليل ج٢ من ٨٠ و و س ٩٠ و ص ٢٠١ و قرب الأساد من الاوالمحار ح ع من ٣٣٠ و قرب الأساد من الاوالمحار ح ع من ٣٣٠ و قس ما حمال في تشائل سلمال (الباب ٢ في تشائل المحم ، و محم الله محم الله على من ٣٠١ و المحم الله معم الله ١٠٥ و عمسر على من الراهم على من ١٠٥ و المحالم الله عالم ١٠٥ و المحالم الله على من ١٠٥ و المحالم الله عالم ١٠٥ و المنافع المحم الله ١٠٥ و المحالم الله ١٠٥ و الله ١٠٥ و المحالم الله ١٠٥ و الل

## a Agretogram

حرس بعصى عوابوجر وحرس عصه و تعطى سابعون شعراء السلاسين ماتستة، وووله توجمة أيوفيات الأعيانج مان ١٠٠٠ والوسطان ١٨٠١٨٠.

## Apres

فارس و دروم می اولاد سخق روی و غرار با عیرسول اندا دین دفال و روی و غرار با عیرسول اندا دین دفال و روی بولس بو سخق عدم سلام و راحم دار أحدار استهای جادی بداندی صده انداند و سلامه عدبه ی فارش بسستا آهی اللیب دفال و تم با رسول به قال و لان استعیل عم ولد استعی و سخق عمود داستمیل ی راحم محتصر باریخ دیستور شبخه (Bursa) .

# ه في ۲۰۰ س ۲۰۰ ه

ويجمعنا والقرى . شعر دراجع عددالابنات مى سنبه والاسراف ص 45 ه وهيمن كلمةطويلة عدتها ١١٣ بيئا والشاهدسية علىسحاء مىديوال حريرص ٢٤٠٣٢

معمل موت لاسین السور و کسری وآل بهرمر ب وقتصرا و کال باصطحرا ملوك و بسترا اب كال مهدات بنا مظهرا فاعلی ساط و بنک مسحرا فاست رزعادمه شبه "حصر و كان اين يعثوب أبيا مصورا فیحمعه و اعرایت، ساره آب لاب ی بعده من بعدرا أبوط حسل شد و شد رب رب بعد عصی لالد و قدرا

وقال منحق بن سو بدانعدوی فی هذا المعنی علیماجاء فی تنتیه و الاشر فاص ۹۰ ادر اشخرب فیحت بوما بسؤند این فیجر با آسی علیه و آسودا ملکت هم بدءا بالنجاق است او کانواساسونا علی بد هر آعید و بیجمعنا و اندر ایناء فارس این لایت بی بعدد اس نفر دا

#### من ۳٦ س د ۸

اول من سي افيضحر افيضحرين صهمورت ، و جاء في مساكث الأمصار ص ٢٣٩. . ( الى اصطحر من بناء بيسمان عليه السلام ...

#### اس ۳ تا س ۵

ابوسی ، هوابو سی تحسن بن تحدین سدا بعقار المعروف پایی علی القارسی اسحوی و ماینمایندساو تومی بنده دسته ۱۳۷۷ ما مارجند فی وقیات الاعیان ج ۱ ص ۳۰۱۳ ا و روضات تحال ص ۲۰۱۲ و المهرست س ۲۰۱۵ و

# \* 7 m \* 7 m

القصريات؛ بعني المبالات القصريات في البحو أملاها على بنميده ابي الطلب محمدين طوس المصري فسميت بفرائحة الشف الصول ح. فاس ١٩٧٠ .

# ه ص٦٦ س

د معن السباية (هو د معن بن حصية بن ريد بن سبد السيدائي بوقي بنته ٦٥ هـ به توجمة في اللهوست من ١٣١ و (الأعلام ح ١ ص - ٣٠)

# ه ص۶۳ س۶

وقیل ( حر اسم لشمس ۱ براجع فی عدا نسب عرمز دیامه ص ۹۹۱ و ۳۹۶ و ص ۳۸۹ تا ۶۰۲ و ایرال کوده ۷ : ۱ ص ۶۰۶ ؛ بی ۳۰۲۰

#### # ص ۲۳ س ۱۹ ه

شريك بي عبدالله ۱۰ هو انوعبدالله شريك بي عبد لله بي كالبخعي قامي يكونه و بد بنخاري سنة ۱۹ ومات يا كونة سنه ۱۱۷ هـ له ترجمه في صفاب التقهاء ص ۲۳ و وفيات الاعيان ج ۱ ص ۲۰۲۵ و رومات لحناب س ۸۳۲۷ و دنة د نشوران باصري ص۸ ۱۵۰۵.

# ه حو۲۳ س ۱

حراسان کانه سد . . ( عدید ۱ رواد شنع عداکم ابوعدالله السابوری فی دریج نیسانور عن در یکین عداند ( سنجهٔ Bursa ) .

## مو ۳ ۳ س ۱۹

ما حرحت من حراسان . . . عددت و دانشیع بد کیر المشدم به گره فی لمرجم المد کور عن عبد نشین المدراه الموفی سه ۱۸۱ ه و وردت أحادیث فی فصائل حراسان د کرید این قسیه فی عبول لاحدر ت ۱ ص ۵ ۳ .

## ه ص ۳ س ه م

این دیده عوابومعید عند ندین مسلمین دیند الکودی سروری الدسوری .
و د یا کوده سند ۱۳۰ و تودی دی تهر رحب سند ۲۷۰ ، له ترجمهٔ فی وفیات الاعیان ج ۱
س ۲۰ و د تردالمعارف الاسلامیه ج ۱ س ۲۰،۲۳ و مهرست ص ۲ ، یه ودر هنگلمهٔ
پرسی ج اص ۲۰،۲۱۹ ،

# ه حلي ۲۶ سي ۲۵

اللقاح ا قال برهشام كالى بدى الده يعط يادوك المستعصمي سنة ١٧٧ (سنجه فلخر الدين النصيري ) : الدين لانعظول حراح .

# ه ص ۲۷ س ۴۰ م

حمره لاصفهای و هو آبوسد به حمره بن العس المؤدب لاصفهای بوقی فی آق الل البطف لا حر سراغرل الراح المیجرد ، عام حمه فی الفراست ص ۱۹۹ والانساب (ورقه د ) و بعجم المصوعات العربية و المعربة ص ۱۹۵ ،

# ه ص ۲۷ س ۶ ۷

السية يعنى كتاب شبيه عنى حدوب (حروف ح ل) التصحيف لحمزة الامفهائي المذكور الله و بند نسجد عنفه برمجطوعات حرابه بدرسدا حروى في ظهران، وقد بدل مجتبى المينوى حيده في مثابده بالأصول و المعلق عليه و دوفر عنى تحققه و أرجو أن يواق له تشره ، و راجع سيكشناسي ج ١ ص ١٩٠٨ .

# ه صر∀∀سع\$ =

المهلوبة والدر عوالمارسية والمحورية والسراء بما تراجع في هذا بتقامله والماطعة المحدد المواقد الماطعة الدكتور المحدد مقيل ح الحل ١٠٢٥ و حل ١٠٠٤ و من ١٠٠٥ و المنكسسين ع الحل الماطعة والمحدد على ١٠١١ و المرابعة المادية الماد

#### ه حی ۲۱ س ۸ ه

سه مدد و دل مؤعد عماغر في معرفه العو غراص و ۲۰۵ و ويده عباره عن الحسل و دي بدغيل ساد مصره و غوا فرينور وسما كوند بهاويد و ريمانيم اليهما ماه مسمال فتسمى عمله ماهاب و ريمانيمي لهاوند بماه ديتار باسم المأسور سها ماي سالح حديثه عنها وفي شعاء العدين ص ۲۰۸ ساه لعملي الملد و براجع هرسر ديايته س ۷۷ و

#### ص ۲۷ مل ۱۱ م

شیرویه بی سهردار ۱۰ هوابوسعاع سرونه بی سهرداریی شیرویه بی قدا کسرو می درندالصحالتین بیرور آخد آصحاب رخوب شده می دکان سؤرج شدان و محدثها دتوفی سنه ۱۹۰۹ له برخنه فی الاسلام - سن ۲۰۱ و آسار المرجوم محمدی مندا و هاب اغرام بنی ای معان برخمیه فی ح سد لار را س ۲۰۰

# ص ۲۸ س ۱

الایرن دفال شهاب میں العقامی فی سفاء بعیس س ۱۹ یون و العوض الصغیر معرسابرن بدفی البید در وفی سخاری فال الس ؛ الدی الدال انتخم فید و آل صالم، وقال میروزایدی فی داسر بدل و وفد بتحد می بجاس المعرب آلباری ، وزاحه مشهی الارب ح دا س ۱۹ الای داب رای ، .

# " 12 - " A DO "

لده شبیهه با عربه حاء می ( أصوب أسماء لامكه عراقه ) می طسعون. و فرق من منظیاها الیو مطاق كسری و مدها صربح حصوبی سمان اعارسی العجروف بسلمان باك ا و حوله بنده بهده لاسم هی مركز الحصوب می و ادبداد و هی علی بصمه كیلوسترا . . ) واجع مجلة حوب معد دمساقه ۳۰ كیلوسترا . . ) واجع مجلة سوسر ۲ ۲ ص ۲ ۲۳ س ۲ ۲۳ ۷

#### « حق ۲۹ سی ۱ ه

سنمال عارسی ۱ من اکابر الصبحایة و کملتهم توقی سنة ۳۹ هاله ترجمة فی نامة داشوران باصری ح ۷ من ۱ م ۱ و شرح الشریشی ح ۳ من ۱ م ۱ و بادوین رسحه دار الکتب وطیه میدران مصبورد) من ۱۷ م و ربحاله الادب ح ۳ من ۱۷ ۵ م ۵ و ناریح کریده من ۲۲۷ و آمد عاج میرز حسین السوری لدیا کند ا فی سیر به سمه عمل الرحمان فی فصالی بادمان ) .

#### ە تىن 9 % سى 1 %

مدیده لاسکندر معادی کتاب عراق قدیناو حدیث) ص ۱۰۳۰ والاسکندریدالیوم قریة گییرة قیها سری محکومه و محفر مشرطه و مدرسه للس و مستوضف ضحی وفیها عده بیوت سنی معظمها با عین و بالا حر المستحرات الا تاراغدیده و دمر بها مدول ضغیریسمی پاسمها ، کما تیر بها کافة السیارات التی نقصد کر بلا و اسحف و هی معد س المسیب ۱۰ کیلومترا و فیها من التقوس ۱۰۰ سمه و تشعها سال احدایین و اسرایس و المسعود ) و راحه أصول اسماء لامکه اعرافدس ۲۰۰ .

# الأصوف الأسوادة

یافوت بحموی ۱ هو شهاب الدیر آبو عبدالله بافوت بن عبد نند الروسی العموی المعدادی ، بولی بخلب سنه ۱۳۶۹ه ، به ترجمه فی وفنات لأسال ۲۳ س ۱ م ۲۰۰۰ و ریجانه لأشه چ ۱ من ۱۳۶۸ م ۱ م

# ە جى 4 % سى ۲ %

ابورند، هو أيوريد أحمدين سهن المصحى و كان فاصلا في سائر العلوم ماسافي دي العقدة سنة ١٩٣٧هـ به برحمه في روضات الحناب عناب س٣١٣ والمهر سناس ١٩٨٠ و معجم لأدياء ح٣ س ١٩٨٤ و نعتبامه ح ايوسعد س ١٩٤٥ . ٨ .

# ≪ ص ۲۹ س = =

رردشت بن آدر حورالمعروف معجدالمتوكني . هوابوحفتر ژردشتين آدر حور الموبدالمتوكني . هوابوحفتر ژردشتين آدر حور الموبدالمتوكني . ذكره الميروني استطرادا في الآثر إلماقيه من ٢٣٣ و الهمدالي قي المدال ص ٢٤٠ و القمي في كتاب داريح فيم ص ٩٨وأت راسة المرحوم محمدين عبدالوهاب القزوسي في هرارة فردوسي ص ٣٣٠ و محتى حينوي في التعليق على ديوان باصر حسرو ص ٣٥٨ و الها على مطان دكره بنها .

# ه ص ۳۰ س و ۱۱

ابوالریحان ۱۰ هو بو بریحال محمدین احمد امیر و بی انجو رومی عیاسوف ابریاضی شییر و بدفی خوارم ۳ دی انجحه سنه ۳۳۳ و بوفی فی غربه ۳ رجب سنه ۴۶۰ شن ۷۷ سنه به فرحمه فی خوشی چهار مقاله ص ۱۹۳ سال ۱ و سریح محمصر ۱ مول ص ۳۳۶ سال و روضات تحیات ص ۱۹۳۸ و دائره معارف (سلامیه ح ۶ ص ۱۳۳۷ ۶ و راجع کتاب (شرح حال نابقة شهیر ایران ابوربحان) ،

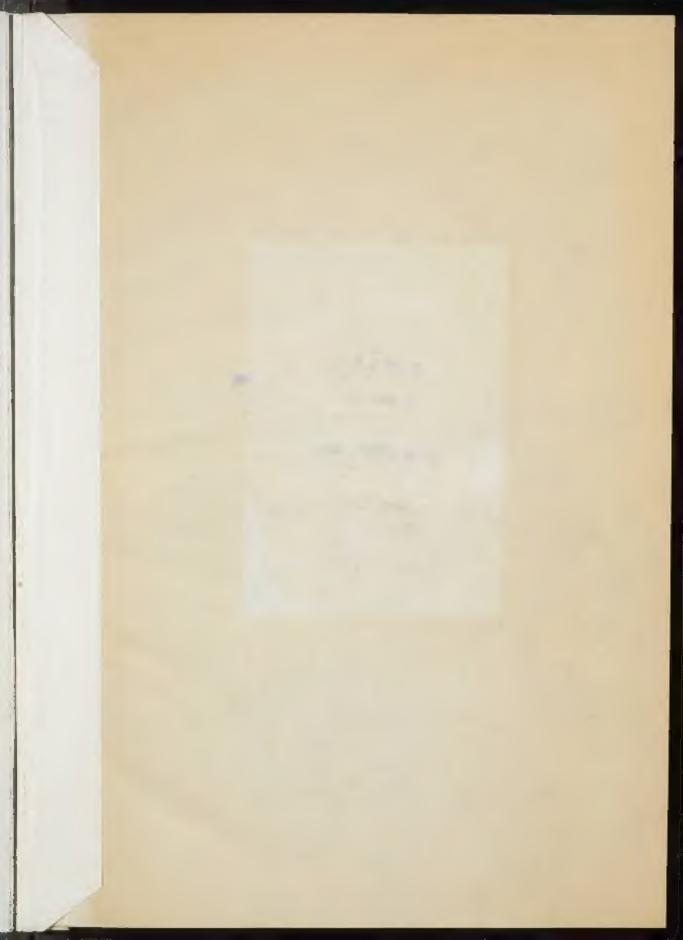
# شکر و ثناه

ادا ردب ال ثنى سى حد حمد حهد أحى اشى الما المحاسفية الاساد باحى على معلوطا منى بدل وسعه في الرحوح بي السطال المهمة اللي ماستطع وحدالها في طهر أل وما اللك بوالي مسعاه ولا يدرج يخصلي بالتشجيم وكرت لاستاده الكريم الدكتور محمد المقدم الدي أحيا هذه الرسام بالصع والمشراء ويدكر العصل طائعة من أقاصل الاسابيد و الاصدقاء وتحو اأنواب حرائمهم والي عم يضوا بما الحبحث المه من العراجة والكتب .

حسس على محتوظ







Library of



Princeton University.

Prenented by

Bradford G. Martin

# فهرست شماره های ایران کوده

J43 24 - tar 17 -	١- در راه مهر (١٠ عزرو) .
JA, 10 - 50/2 35	· Line . Flags . C
JEST - WE TY	م به مکان درباره گریشهای ایران د جر آن .
كات (م سم) ، ناباب	۴. چند نموله از متن فرنته شای قارسی بامثان باشرح ا
JA 10 = +40 TO	س الله ويره ( س كا ) .
14x 40 - 44 112	٢ . داينان جم ( م. شم ، س . كا)
د. کا ا، قاب	٧ ـ چند لموقه از متے لوشته عای پیملوی باواژه تامه (
JE, 2 - min 172	٨. حد و فر شک ( د ، سرور )
JA 111- 44 725	۸ . و ازه نامهٔ طبری (س . کما ) .
10, 10 - wo 11	١٠ . وع كمار دريارا كريكهاي الراد و عر آن .
Jeg 20 - sale 121-	۱۱ . او یتهای وقی و آشیان و هرش (م ، مندم ) .
19/ 20 - tale 30	۱۱ . سرود ایاد دی زردشت ( م . شدم ۱ .
J42 To - **** 177	١٠٠ قاطريان يا پسيداليان ( س. ١٠٠ ) .
Jus 10 - mis 14 (45.	۱۲ ، ارش ارشامها و پکرهای کال جنگال ( ج ، رمال رم
JE 1 1 - de 199	١٥ . تاريخ و کويم درايران ( ق. مريز ) .
Je 20 - 100 37	١٥٠ عاء فرورديي روز عرداد (س. كيا ).
Justo was to	١٧ . ريالة مرية الليان القارسي الع - ع المشرة ) .